

نگرشی تاریخی تحلیلی به قرائت زید بن علی (از نظر شکل گیری و دارا بودن معیارهای صحت قرائت)*

مرضیه رستمیان** و مرتضی ایروانی***

چکیده

ابن مجاهد، قاری بغداد، در قرن چهارم هجری با استفاده از منصب شیخ القرائی و نفوذ سیاسی و با توجه به رواج و شهرت حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، هفت قرائت از پنج شهر مهم را رسمیت بخشید و به تدریج در بستر زمان سایر قرائات به عنوان شاذ شناخته شدند. درحالی که بسیاری از این قرائات شاذ، شرایط صحت یک قرائت صحیح را دارا بودند. نگارنده در این پژوهش بر آن است که قرائت زید بن علی را که در زمره قرائات شاذ قرار دارد، بررسی کند؛ زیرا بنا بر نقل شیخ طوسی در الفهرست، زید به صحت قرائت خود اطمینان داشته و آن را منتسب به حضرت علی (علیه السلام) می نموده است. از این رو، نگارنده سعی دارد با رویکردی تحلیلی - تاریخی درباره چگونگی شکل گیری قرائت زید در مدینه، به بازیابی معیارهای صحت قرائت زید با معیارهای صحت قرائت از دیدگاه ابن جزری پردازد که در نهایت با توجه به بررسی انجام شده، باید گفت که قرائت زید بن علی، معیارهای صحت قرائت را تا حد زیادی داراست، همچنین بررسی تأثیر قرائت زید بر تفسیر قرآن، مؤلفه‌ی دیگری از این پژوهش است.

واژگان کلیدی: قرائات شاذ، زید بن علی، مدینه، قرآن، معیارهای صحت قرائت.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵ (بر اساس ارزیابی هیئت تحریریه، این مقاله به صورت علمی - ترویجی پذیرفته و چاپ شد).

**. دکتری تخصصی علوم قرآن وحدیث (نویسنده مسئول): feroma@yahoo.com

***. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد: iravany@um.ac.ir

درآمد

علم قرائت و طبقه‌بندی قرائات به مشهور و شاذ، از دیرباز مورد توجه علمای مسلمان بوده است. عواملی همچون افزایش شمار مسلمانان، اختلاف نقل شفاهی قرآن، اختلاف لهجه و علل دیگر، موجب گسترش دامنه فعالیت قاریان قرآن و پیدایش قرائات مختلف در محافل علمی در صدر اسلام گردید. چنانکه از قرن دوم بدین سو، عالمانی اهتمام خود را مصروف امر قرائت نمودند. این جنبش علمی ادامه داشت تا اینکه در قرن چهارم، ابن مجاهد با انحصار قرائات صحیح به هفت قرائت، باعث شد، تعداد زیادی از قرائات به خاطر شاذ بودن، به تدریج از صحنه‌ی روزگار محو شوند. نولدکه به همین اتفاق در کتاب تاریخ قرآن خود اشاره و می‌گوید: «مراجع و مصادر قرائات شاذ، درواقع به مردی پیوند می‌خورد که سازمان قرائات مشهور «قرائات سبع» را بنیان کرد. ابن مجاهد در کنار «کتاب السبعة» کتاب دیگری را تألیف کرد که نام آن «کتاب الشواذ» است، لکن این کتاب، از میان رفته است.» (شاهین، تاریخ القرآن، ۱۹۶۶: ۵۶).

حصر قرائات، در حالی روی داد که علمای قرائت متقدم، از ابن مجاهد، معیارهایی را برای صحت یک قرائت وضع نموده و مدعی بودند که در صورت تطابق ویژگی‌های یک قرائت با معیارهای موجود، می‌توان حکم به صحت آن قرائت داد؛ اما اینکه چرا به بسیاری از قرائت‌ها، باوجود برخورداری از معیارهای صحت قرائت، عنوان صحیح داده نشد؟ سؤالی است که ذهن بسیاری از محققان را تا به امروز به خود مشغول داشته است.

بر همین اساس، در این مقاله سعی خواهد شد قرائت زید بن علی علیه السلام که به‌عنوان یکی از قرائت‌های شاذ در منابع مطرح است، ولی بزرگانی چون ابوحیان در تفسیر بحر المحيط، به کثرت از آن نقل کرده است و بنا بر نقل شیخ طوسی در الفهرست، زید به صحت قرائت خود اطمینان داشته و آن را به حضرت علی علیه السلام منتسب می‌کند، از نظر علل شکل‌گیری و شامل بودن معیارهای صحت قرائت، مورد بررسی قرار گیرد.

۲۷۰

پیشینه پژوهش

درباره شخصیت، قیام و آثار زید بن علی علیه السلام، آثاری در قالب کتاب و مقاله انتشار یافته است، نظیر: «شخصیت و قیام زید بن علی»، اثر ابوفاضل رضوی اردکانی؛ «الامام زید حیات و عصره»، اثر محمد ابوزهره؛ «التراث الزیدیه»، اثر سید علی موسوی نژاد و مقاله «دیدگاه ائمه

درباره شخصیت و قیام زید بن علی، اثر روح الله توحیدی نیا؛ و درباره قرائت و تفسیر زید بن علی نیز کتاب «قرائت زید بن علی...»، اثر خلیل ابراهیم السامرائی و مقاله «بررسی تطبیقی منابع و روش‌ها و گرایش‌های تفسیر زید بن علی (علیه السلام)»، اثر فاطمه دسترنج، شایان توجه است؛ اما جریان‌شناسی تاریخی - تحلیلی، علل و انگیزه‌های برگزیدن یک قرائت خاص توسط زید بن علی و بررسی قرائت او از نظر دارا بودن معیارهای صحت قرائت که مطلوب این پژوهش است، تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

مفهوم شناسی قرائت

معنای لغوی

«قِرَاءَة» مصدر قرأ و به معنای جمع کردن (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۱/۱۲۹؛ راغب، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۶۶۸)، آمده است و از آنجاکه هر چیزی (کلمات) بعد از جمع شدن بخشی از آن به بخش دیگر منضم می‌شود، در این معنا بکار رفته است (جوهری، الصحاح، ۱۳۶۸: ۱/۶۴).

قرائت در اصطلاح

برای مفهوم قرائت و جمع آن (قرائات)، تعریف‌های متعددی نقل شده است. از نظر ابن جزری، قرائات، علم به کیفیت اداء کلمات قرآن و اختلاف مربوط به این کیفیت که به ناقل و راوی آن منسوب می‌شود، است (ابن جزری، منجدالمقرنین، ۱۳۵۰: ۳). عبدالهادی فضلی در کتاب القرائات القرآنیة، بعد از بررسی تعاریفات مختلف مربوط به قرائات، در نهایت این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که قرائت عبارت است از تلفظ الفاظ قرآن کریم به همان صورت و کیفیتی که رسول خدا ﷺ تلفظ می‌کرد؛ یا عبارت از خواندن و تلفظ الفاظ قرآن کریم، به همان صورت و کیفیتی که در حضور رسول ﷺ خوانده شد و آن حضرت آن تلفظ و خواندن را تأیید فرمودند و فرقی نمی‌کند که این تأیید فعلاً یا تقریراً باشد و یا اینکه یک یا چند نفر در آن مجلس حضور داشته باشند (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۹۸۰: ۵۶)؛ البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که بنا بر نظر و دیدگاه مذهب شیعه، قرآن بر یک حرف واحد نازل و رسول خدا ﷺ نیز آن را بر همان حرف واحد قرائت کرده است و اختلاف‌های موجود بر سر قرائت از ناحیه‌ی راویان است.

زراره به نقل از امام باقر (علیه السلام) در این باره آورده است: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاهِ»؛ همچنین فضیل بن یسار به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: «إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ فَقَالَ كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ وَلَكِنَّهُ نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ.» (کلینی، الکافی، ۱۳۷۵: ۲/۱۳۰).

شیخ طوسی معتقد است که عرف در مذهب ما این است که قرآن واحد است و بر رسول واحد نازل شده و بر جواز قرائت بر آنچه متداول قراء است، نیز اذن داده شده و انسان مخیر است به هر قرائتی که خواست بخواند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۷/۱). زرکشی نیز بر این دیدگاه است که قرآن و قرائات دو حقیقت متفاوت اند؛ قرائات، اختلاف الفاظ وحی در حروف و کیفیت از تخفیف و تشدید و ... است، وی همچنین تواتر قرائات را قبول ندارد^[۱] (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۱/۳۱۸).

بنابراین نمی توان به روایاتی که بر اساس آنها این گونه استنباط می شود که پیامبر ﷺ، خواندن عبارات قرآن را بر چند نحو، جایز می دانستند، اعتماد کرد؛^[۲] زیرا همان گونه که آیت الله خویی در کتاب «البیان» فرموده اند: نخست اینکه تمام روایاتی که درباره ی وجوه هفت گانه قرآن آمده است، به طریق اهل سنت است؛ و دوم اینکه روایت های موجود با روایتی که زراره از امام باقر (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۲/۱۳۰) نقل می کند، مخالفت دارد و تناقض در مضمون آنها محسوس و شاهد است (خویی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۱۳۸۲: ۲۳۰ - ۲۳۲). از این رو تعریف ابن جزری صحیح و قابل استنادتر است؛ زیرا وی اختلاف قرائات را از ناحیه راویان می داند.

آشنایی با شخصیت زید بن علی

نام وی ابوالحسین زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب است^[۳] (کشی، رجال الکشی، ۱۳۴۸: ۳۵۱؛ مفید، الارشاد، ۱۴۱۴: ۲/۱۵۵؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۷۷: ۵/۳۲۵؛ مقریزی، الخطط المقریزی، ۱۳۲۶: ۴/۳۰۷)؛ مادر زید بن علی، کنیزی بود که از طرف مختار به امام سجاد علیه السلام اهدا شده بود (بخاری، سر سلسله العلویة، ۱۴۱۳: ۳۲)،^[۴] تاریخ نویسان پیشین به سال ولادت آن جناب به طور صریح اشاره نکرده اند و مصادری که آن را بیان نموده اند نیز، در بیان زمان دقیق آن باهم دارای اختلاف نظر هستند. ابن عساکر سال ۷۸ هـ (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ۱۴۱۵: ۱۹/۴۵۵) و دیگران ۷۵ هـ و ابوزهره از علمای متأخر اهل سنت، سال ۸۰ را سال تولد او می داند (ابوزهره، الامام زید، ۱۴۲۵: ص ۲۲)؛ و این نظر را مستند به روایاتی می کند که قتل زید را در سال ۱۲۲ هـ در حالی که ۴۲ سال داشته بیان کرده اند (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۷۷: ۵/۳۲۶)؛ عبدالرزاق مقرر نیز در کتاب زید الشهید سال تولد او را ۶۶ یا ۶۷ هـ تخمین زده، به این دلیل که مختار در سال ۶۷ هجری از دنیا رفت و قبل از آن مادر زید به حضرت سجاد علیه السلام اهدا شده بود و وی در همان سال باردار شده بود (مقرر، نگرشی بر سیره و قیام زید شهید، ۱۳۸۶: ص ۲۵).

زید در مدینه، شهری که در آن متولد شده بود، تربیت یافت، در آن زمان مدینه یکی از مهمترین مراکز علمی به شمار می‌رفت که مدرسه‌های علمی آن در امتداد مدارس پیامبر ﷺ و صحابه بود.

رجالیان شیعه، زید را توثیق کرده‌اند (طوسی، رجال الشیخ الطوسی، ۱۴۱۵: ۱۹۵؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۰: ۷/۳۴۵-۳۴۶)؛ شیخ مفید می‌گوید: «زید برجسته‌ترین و افضل برادرانش پس از ابوجعفر (علیه السلام) بود و عابد، پرهیزگار، فقیه، سخاوتمند و شجاع بود. به امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد و به خون‌خواهی امام حسین (علیه السلام) برخاست (مفید، الارشاد، ۱۴۱۴: ۱۵۵/۲). در منابع اهل سنت نیز زید بن علی، توثیق شده و محدثانی مانند زهری، شعبه و اعمش از وی روایت کرده‌اند (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۱۴۰۴: ۳/۳۶۲؛ ذهبی، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، ۱۴۰۴: ۵/۳۸۹). علمای اهل سنت در تمجید از زید، این‌گونه نگاشته‌اند که او در مدینه در دامان امام زین العابدین (علیه السلام) که یکی از فقها اهل بیت، عبّاد و محدثان مدینه به شمار می‌رفت، پرورش یافت، درحالی‌که ایشان، به علت دوری گزیدن از سیاست، به سمت تعلیم علم در زمینه‌های مختلف مشغول بود (ذهبی، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، ۱۴۰۴: ۵/۳۸۹).

علل برگزیدن یک قرائت خاص، توسط زید

شهر مدینه که زیستگاه فیزیکی و علمی زید محسوب می‌شود، به جهات مختلف دارای ارجحیت و امتیاز است که ازجمله آن نزول بیشتر آیات در آن مکان و اینکه حدود ربع قرن پایتخت جهان اسلام بود و حتی پس از انتقال محل خلافت از مدینه به کوفه، مدینه محل عبور حاجیان به سوی مکه بوده و آنها هر دو شهر را باهم زیارت می‌کردند (رک. فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۹۸۰ م: ۱۴۲). این ویژگی‌های شهر مدینه، عالمان آن را بر آن می‌داشت تا رسالت نگهبانی از سنن نبوی و مقابله با بدعت‌ها را بر دوش خود بپندارند و از سویی دیگر با این تلقی که سنت معمول در مدینه، سنتی تأیید شده از سوی پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب ایشان بوده، خود را از رجوع به دانش و سنت‌های حاکم در دیگر بوم‌ها، بی‌نیاز ببینند (پاکتچی، مقالات دائرةالمعارف بزرگ اسلام، ۱۳۸۰: ۱۱۶/۹).

نخستین کسانی که از صحابه برای تعلیم و اقراء قرآن به مدینه آمدند، مصعب بن عمیر و عبدالله بن ام مکتوم هستند که پس از مدتی عمار یاسر و بلال حبشی نیز بدان‌ها ملحق شدند (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۱۳۸۲: ۲۴۱).

از سوی دیگر باید توجه داشت که در سده نخست هجری، جریان «بومی محوری»، به عنوان يك جریان غالب و عمومی، کاملاً بر جامعه اسلامی سایه افکنده، از این رو در همه حوزه های مختلف علوم اسلامی، می توان اثرات آن را ملاحظه کرد که نمونه های بارز آن شکل گیری مکاتب فقهی و تفسیری به چهار مدرسه مکه، مدینه، بصره و شام و نیز شکل گیری قرائت های خاص در بوم مدینه اشاره کرد و بوم مدینه به عنوان مرکز و محوری خاص و بی همتا در حوزه قرائت قرآن بوده، از این رو بر دیگر بوم ها و مناطق نیز تأثیر گذاشته و باعث شکل گیری و ترویج برخی قرائت های قرآنی خاص منتسب به بوم مدینه در دیگر نواحی شده است (ر.ک: جانی پور، تأثیرات جریان مدینه محوری در گسترش و ترویج برخی قرائت قرآنی، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

از سوی دیگر اهمیت خاص و ویژه مدینه در امر قرائت را می توان در دور بودن اهل آن در تفسیر هم دانست؛ زیرا مدینه از همان آغاز اهل تفسیر نبوده و تا آخر هم اهل تفسیر نشد، چون یک شهر کاملاً محافظه کار است و تا میانه قرن ۲ هجری، از آن موضعی که داشته تکان نخورده و اصلاً اجازه نداده که افکار تفسیری در مدینه رشد پیدا کند و از این رو تمرکز ویژه مردم آن بر قرائت بود (پاکتچی، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ۱۳۸۹: ۶۸). بنابراین شرایط ویژه شهر مدینه در دوران حیات زید و از سوی دیگر ویژگی های شخصیتی خاص زید بن علی که در ادامه به آنها پرداخته می شود، دلایلی برای برگزیدن قرائت توسط زید است:

۱- ویژگی های شخصیتی زید؛ وی فردی با فراست، مجتهد، دقیق، جستجوگر، حقیقت طلب، دانا، ادیب و شجاع بود (ابوزهره، الامام زید، ۱۴۲۵: ۸۳). جایگاه علمی و ادبی او به حدی بود که علمای زیادی زبان به تمجید او گشودند.^[۵] امام صادق علیه السلام از جایگاه علمی زید با عظمت یاد می کند و می فرماید: او مردی با ایمان و عارف و دانشمند و درستکار بود (کشی، رجال الکشی، ۱۳۴۸: ۲۸۵)؛ و امام رضا علیه السلام در مقام تجلیل از او فرموده است: او از علمای آل محمد علیهم السلام بود (ابن بابویه صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۷۸: ۱/۲۴۹). ابوحنیفه که عده ای عقیده بر شاگردی او نزد زید بن علی دارند، گفته است: «در زمان وی، فقیه تر، حاضر جواب تر و خوش بیان تر از او ندیدم.» (مقرم، نگرشی بر سیره و قیام زید شهید، ۱۳۸۶: ۴۴).

ابن طباطبای مؤرخ او را چنین توصیف می کند: «به لحاظ علمی، زهد، پرهیزگاری، شجاعت، دیانت و کرم، از بزرگان اهل بیت است.» (ابن طباطبای، الفخری فی آداب السلطانیة و الدول الإسلامية، ۱۸۶۰ م: ۹۵).

از میان علمای سرشناس شیعه، بزرگانی چون شیخ بهایی (افندی، ریاض العلماء، بی تا: ۲/ ۱۵۷؛ امین، اعیان الشیعه، ۱۳۶۹: ۴۶/۳۳)، عبدالحسین احمد امینی نجفی در الغدیر (امینی، الغدیر، ۱۳۸۷ ق: ۶۹/۳)، میرزا عبدالله معروف به افندی در ریاض العلماء (افندی، ریاض العلماء، بی تا: ۲/ ۱۵۴)، همه با شرافت و بزرگی از زید نام برده‌اند (رک. کریمان، سیره و قیام زید بن علی، ۱۳۶۴: ۸۳-۹۳). بنابراین وجود منزلت‌های علمی بی‌شمار زید، به او این شجاعت و توان را می‌داد که برای خود یک قرائت خاص انتخاب کند.

۲- بهره‌گیری از محضر اساتید بزرگی چون امام سجاد (علیه السلام) (طوسی، رجال الشیخ الطوسی، ۱۴۱۵: ۱۱۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۷۷: ۳۲۲/۵)؛ و امام باقر (علیه السلام) (ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۱۴۰۴: ۳۶۲/۳؛ طوسی، رجال الشیخ الطوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۶). زید هم از نظر روحیه عبادی متأثر از شخصیت امام سجاد (علیه السلام) بود و هم از نظر علمی و فقاہت؛ چنانکه با بررسی نظریات فقهی زید در کتاب مسند زید، می‌توان مشاهده کرد که زید همواره پرسش‌های شرعی خود را نزد امام سجاد (علیه السلام) مطرح می‌نمود و پاسخ می‌گرفت (رک. زید بن علی، بی تا).

مقریزی، از زید به بزرگی یاد کرده، می‌گوید: «زید از پدرش امام علی زین العابدین (علیه السلام) علم و دانش آموخت و در معدن علم و تقوا رشد یافت و همراه صالحان بود و از آنان می‌آموخت و آن‌ها نیز از او می‌آموختند. در خردسالی، همراه پدرش بود و علوم قرآن را از او فراگرفت. از او روایت شده است که فرمود: با قرآن سیزده سال خلوت نمودم، آن را قرائت می‌کردم و در آن تدبر می‌نمودم تا آنجا که رخصت و فرصت طلب رزق نیافتم و از فضل خداوند، غیر از عبادت و تفقه در دین چیزی نیافتم.» (مقریزی، الخطط المقریزی، ۱۳۲۶: ۳۰۷/۴).

۳- ویژگی‌های علمی - سیاسی؛ دوران حیات زید که اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم را در برمی‌گیرد، مصادف با تکوین علوم اسلامی با فروعاتش و به وجود آمدن مباحثی چون تفکر در عقاید، رشد فرقه‌ها، مناہج فقهی و ... است (ابوزهره، الامام زید، ۱۴۲۵: ۱۸۰). در این عصر، گروهی از مردم، تمام فرصت خود را اختصاص به فراگیری قرائت قرآن داده و به ضبط قرائت، سخت اهتمام می‌ورزیدند (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۹۸۰: ۲۶)؛ و این رویداد بدان علت بود که در اواخر قرن اول، عصر قراء مصاحف عثمانی، سپری شده و تابعان و تابعان امر حفظ قرآن را بر عهده داشتند (بیلی، الاختلاف بین القرائات، بی تا: ۷۸)؛ و استادان قرائت سعی می‌کردند با ضبط و نقد روایات مربوط به قرائت و گزینش روایات صحیح، قرائت ویژه‌ای

را به خود اختصاص دهند. چنان‌که نافع (۱۶۹ هـ)، قاری هم بوم زید می‌گوید: «من قرآن را بر ۷۰ نفر از تابعین قرائت کردم و از میان آنها، فقط قرائتی را که حداقل دو نفر از تابعین، درباره آنها اتفاق نظر داشتند را اختیار کرده و بقیه را رها کردم.» (مکی بن ابیطالب، بی‌تا: ۴۵). ابن مجاهد تمام قراء سبعة را از همین عصر، یعنی اواخر قرن اول و تا اواخر قرن دوم انتخاب می‌کند که نشان از حرارت زیاد امر قرائت در آن عصر است و زید بن علی (۱۲۰ هـ) به دلیل حضور در آن دوران و جایگاه ویژه‌ای که از لحاظ انتساب به خاندان وحی و علم و دانش داشت، قرائتی را برای خود انتخاب نمود.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، با بررسی به عمل آمده بر قرائت زید، در میان قراء سبعة، بیشترین هماهنگی قرائت زید با قراء کوفه است که از ۹۶ مورد اشتراک، در ۵۱ مورد با قرائت عاصم مشترک است (السامرائی، قرائت زید بن علی، ۱۴۲۷: ۶۲ - ۶۵)؛ و از آنجاکه همه آنها از نظر زمانی، متأخر از زید بن علی (۱۲۰ هـ) هستند (عاصم ابی النجود (۱۲۷ هـ) و حمزه بن حبيب زیات (۱۵۶ هـ) و علی بن حمزه کسایی (۱۸۹ هـ)، نشانگر تأثیر قرائت مدینه و شیوخ آن در قاریان کوفه است.

۴- علاقه ویژه زید به قرآن؛ ابوسعید نشوان در کتاب حورالعین، در ضمن برشمردن فضایل وی، نوشته است: «و منها اختصاصه بعلم القرآن و وجوه القرائات و له قراءة خاصة.» (حمیری، الحورالعین، ۱۹۷۲: ۱۸۶).

یکی از لقب‌های زید، حلیف القرآن است (بخاری، سر سلسله العلویة، ۱۴۱۳: ۵۷)؛ حلیف در لغت به معنای هم‌سوگند، هم‌قسم و هم‌پیمان است (دهخدا، لغت‌نامه دهخدا: ۶، ذیل واژه حلیف). ابوغسان آزدی، در رابطه با علاقه و تسلط زید، نسبت به قرآن می‌گوید: زید بن علی در مسافرت به شام در زمان حکومت هشام، پنج ماه به زندان افتاد، هیچ مردی را دانستار از او به کتاب خدا ندیدم، در این مدت کوتاه که با او هم زندان بودم، سوره حمد و بقره را به‌طور جالب و شیوا با بیانی رسا با تفسیر از او آموختم...» (رک: حلی، الحدائق الوردیة، ۱۴۰۵: ۱۴۷/۱).

۲۷۶ مراجع قرائت زید

شیخ طوسی در کتاب «الفهرست» به تألیفی از زید، به نام «قرائت زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)» اشاره می‌کند که عمر بن موسی الوجیهی^[۱۶] آن را از زید روایت کرده و معتقد است که از زید این‌گونه شنیده که وی قرائت خویش را قرائت امیرالمؤمنین (علیه السلام) دانسته است (طوسی، الفهرست، بی‌تا: ۳۲۷). این قرائت، به سبب اهتمام برخی علماء، حلقه‌های قرائات و تفسیر در دسترس ماست.

ابوعلی اهوازی^[۷] قرائت زید را در کتاب مستقلی جمع کرده و ابوحنیان در بحر المحيط، نگاشته «قرأ زید بن علی: تشق بفق الإدغام، ذكره أبوعلی الأهوازی فی قراءة زید بن علی من تألیفه» از آن نام می‌برد (ابوحنیان اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۵۴۳/۹). ابوحنیان در کتابی به نام «النیر الجلی فی قرائت زید بن علی» (سیاغی، الروض النضیر شرح مجموع الفقه الکبیر، ۱۳۸۸: ۱۰۲/۱)، قرائت زید را جمع نموده، ولی دریغ که این کتاب به دست ما نرسیده است؛ اما به خاطر کثرت ارجاع ابوحنیان به قرائت زید در تفسیر البحر المحيط، تاندازه‌ای مخاطب از کتاب «النیر» بی‌نیاز می‌شود.

از تألیفات دیگر که به قرائت زید اشاره کرده‌اند، می‌توان به «مختصر شواذ القرآن»، اثر ابن خالویه و «المحتسب» اثر ابن جنی که درواقع توجیه قرائات شاذ و اعراب قرآن اثر نحاس و... اشاره کرد که در ضمن برشمردن قرائات شاذ به قرائت زید نیز اشاره می‌کنند.

بررسی معیارهای صحت قرائت زید بن علی

۱. معیارهای صحت قرائت

قرائت زید، در زمره‌ی قرائات شاذ قرار گرفته است. به‌طورکلی، قرائت شاذ در میان اندیشمندان، به معنای تخطی از قرائت جمهور (متواتر) است (سخاوی، جمال القراء و کمال الاقراء، ۱۴۰۸ ق، ۳۲۲). ابن صلاح معتقد است: قرائت شاذ، قرآن منقولی است که به طریق متواتر و مستفیض که مردم مقبولیت آن را پذیرفتند، نقل نشده باشد (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶ ق: ۱/۳۲۰)، البته در میان علمای این وادی، بر سر بیان شروط قرائت جمهور یا متواتر اختلاف وجود دارد.

طبری (د ۳۱۰ هـ)، یکی از بزرگان و صاحب‌نظران در فن قرائت، باوجوداینکه کتاب او بنام «الجامع فی القرائات» (شاهین، تاریخ القرآن، ۱۹۶۶: ۲۶۳)، به دست ما نرسیده است؛ اما در تفسیر خویش، «جامع البیان عن تأویل آی القرآن»، اشارات مهمی راجع به قرائات بیان داشته است. طبری، اولین کسی است که اصطلاح شاذ را در مقابل قرائت مشهور معرفی نموده است (صغیر، القرائات الشاذة و توجیهها النحوی، ۱۴۱۹: ۹۰)، از نظر وی قرائت شاذ، قرائتی است که:

اولاً: با اجماع مخالف بوده و تنها بعضی قراء یک شهر آن را قرائت کرده باشند. مانند قرائت بعضی از کوفیون در عبارت قرآنی ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً﴾ (بقره/ ۲۸۲) انفراد بعض قراء الکوفیین فقرأه بالنصب^[۸] (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۸۷/۳).

ثانیاً: با رسم الخط عثمانی مخالف باشد. به عنوان نمونه وی در مقام بیان اختلاف قرائت های آیهی ﴿وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِيَرْزُلَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾ (ابراهیم/۴۶)، به قرائت ابن مسعود اشاره کرده و می نویسد: «قال قتادة: وفي مصحف عبدالله بن مسعود: «وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِيَرْزُلَ مِنْهُ الْجِبَالُ»؛ «وإن كاد» غیر جائر عندنا القراءة كذلك،... و إذا لم يجز ذلك لم يكن الصحاح من القراءة إلا ما عليه قراء الأمصار دون من شذَّ بقراءته عنهم.» (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۱۳/۱۶۲).

ثالثاً: قرائت آحاد باشد: طبری قرائتی که قاری در نقلش منفرد و تنها باشد، شاذ می داند. به عنوان نمونه، او قرائت حسن بصری را در عبارت «أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ» این گونه نقد می کند: «حَصِرَتْ» قرأ القراء فی جميع الأمصار، و بها یقرأ لإجماع الحجة علیها و قد ذکر عن الحسن البصری أنه کان یقرأ ذلك: «أو جاءوكم حصرة صدورهم» نصبا و هی صحیحة فی العریبة فصیحة، غیر أنه غیر جائز القراءة بها عندی لشذوذها و خروجها عن قراءة قراء الإسلام.» (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۵/۱۲۵).

با توجه به این نمونه، حتی می توان موافقت با عربی فصیح را یکی از معیارهای صحت قرائت از دیدگاه طبری دانست.

معیارهای برشمرده شده برای مشخص شدن حدود قرائت شاذ، از نظر طبری، بیان گر این مهم است که از نظر او سند قرائت اهمیت بسزایی دارد؛ و این در حالی است که ابن مجاهد در کتاب السبعة، دلایل خود را برای انتخاب هفت قرائت این گونه سامان می دهد: قرائت این هفت قاری را از آنجاکه اهل شهرها بر قرائت آنها از جهت تبخیرشان به امر قرائت، اجماع نموده (ابن مجاهد، کتاب السبعة، ۱۹۷۲: ۸۷)؛ و این هفت نفر در زمینه قواعد عربی پراوازه بودند، انتخاب کردم (همان: ۴۵). این بیان، نمودار آن است که از نظر ابن مجاهد، شخصیت قاری اهمیت ویژه ای داشته است؛ اما با توجه به تقدم زمانی طبری، نسبت به ابن مجاهد، بعید به نظر می رسد، قواعدی که از نظر طبری مبنی بر بررسی یک قرائت مد نظر بوده، از دید ابن مجاهد مخفی بوده باشد.

عبدالهادی فضلی در کتاب «القرائات القرآنیة»، مقیاسی برای انتخاب قرائت از دیدگاه ابن خالویه (۳۷۰ هـ) ارائه می دهد که منبع وی نسخه عکسی، کتاب القرائات ابن خالویه در معهد المخطوطات العربیه است. در آن کتاب، ابن خالویه سه شرط برای قرائت بیان می دارد.

۱- عدم مخالفت با مصحف عثمانی؛

۲- عدم مخالفت با قواعد و دستور زبان عربی؛

۳- قرائت باید از یکی از ائمه‌ی قرائت رسیده باشد (قرائت دارای سند باشد) (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۹۸۰: ۳۹).

در همین راستا، ابن جزری (د ۸۳۳ ق) نیز شروط سه‌گانه‌ای را برای قرائت صحیح مد نظر قرار داده که تا امروز به آن تمسک می‌شود، البته این نکته را باید مد نظر داشت که این شروط تا حد زیادی با شرایط قرائت مشهور از نظر طبری، مشابه است.

این سه شرط عبارت‌اند از:

۱- موافقت با قواعد عربی و لو به وجهی؛

۲- موافقت با یکی از مصاحف عثمانی و لو به احتمالی؛

۳- صحت سند (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۹/۱).

شروط بیان شده از ناحیه‌ی ابن جزری، همان‌طور که گفته شد، ابتکاری از وی نبوده، چنانکه مشهور شده است. ابن جزری معتقد است که اگر این شرایط به‌طور جمعی در قرائتی جمع شود، قرائت، صحیح است و بر این نظر، دیگر فرقی در این که قاری جزء دسته‌ی قاریان هفتگانه باشد یا نه، نیست (همان: ۹/۱).

۲. تطبیق معیارها صحت قبول قرائت با قرائت زید بن علی

در این قسمت، سعی خواهد شد به تطبیق معیارهای صحت قرائت با قرائت زید بن علی پرداخته شود:

۱. صحت سند

بر اساس این معیار، اگر قرائتی از طریق آحاد و با سند صحیح به ما برسد، ولی مطابق با رسم مصحف و قواعد عربی باشد، صحیح است؛ البته این نظر با دیدگاه کسانی که معتقدند صحت قرائت ثابت نمی‌شود، مگر با تواتر، در تعارض است (ابوشامه المقدسی، المرشد الوجیز، ۱۳۹۵: ۱۸۹).

ابن جزری معتقد است که صحت سند در حدی که سند قرائت از افراد عادل و ضابط تشکیل شده باشد، قابل اثبات است (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۱۳/۱). وی نظر کسانی که معتقد به تواتر قرائت هستند را نقل و این‌گونه کلام آنها را نقد می‌کند که اگر شرط تواتر قرائت لازم می‌بود، پس به دومقیاس دیگر نیازی نیست؛ زیرا اگر سخنی از

رسول ﷺ، حتی برخلاف رسم مصحف و قواعد عربی تواتراً اثبات شده باشد، قبول آن واجب است (همان: ۲۳/۱)؛ و همان‌طور که اشاره شد، بر طبق نظر علمای شیعه امامیه، تواتر قرائات هفتگانه، آن‌چنان‌که بعضی علماء اهل سنت به آن معتقدند (همان: ۱۳)، از نظر مذهب ما مورد قبول نیست؛ زیرا قرآن واحد نازل شده و اختلافات امروز، از ناحیه‌ی راویان است.

البته صحت سند را می‌توان در مورد قرائت زید، محقق شده دانست؛ زیرا باوجوداینکه در کتاب‌های «طبقات القراء» و «غایة النهایه»، یادی از زید بن علی نشده و از همین‌رو، دستیابی به اخباری که سند قرائت او را برای ما آشکار سازد، دشوار است؛ اما ابن جزری در کتاب النشر، وی را در زمره‌ی ائمه مشهور در قرائت یاد کرده است (بی‌تا: ۴۷/۱ - ۴۸)؛ و مصادر دیگری که اثبات کننده اخذ علم او از طریق پدرش، امام زین العابدین ﷺ (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۳۷۷: ۳۲۲/۵؛ طوسی، رجال الشیخ الطوسی، ۱۴۱۵: ۱۱۳)؛ و برادرش، امام باقر ﷺ (ابن حجر، رجال الشیخ الطوسی، ۱۴۰۴: ۳۶۲/۳؛ طوسی، رجال الشیخ الطوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۶) است، موجود می‌باشد که با توجه به مراجع قرائت زید (همان‌طور که اشاره شد) و بیان عواملی که انگیزه انتخاب یک قرائت را در زید ایجاد می‌کرد، وجود قرائت برای زید، اثبات شده و شیوخی که ممکن است وی از آنها قرائت را تلقی کرده باشد، همه سندشان به رسول ﷺ می‌رسد و اسناد آنها عبارت است از:

سند قرائت امام باقر ﷺ: قرأ الباقر ﷺ علی زین العابدین ﷺ و قرأ زین العابدین علی ابیه الحسین ﷺ و قرأ الحسین علی ابیه علی بن ابی طالب ﷺ و قرأ علی ﷺ علی رسول الله ﷺ (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۱/۱۶۵).

و در جای دیگر امام باقر ﷺ قرأ علی ابیه زین العابدین و زین العابدین عن آبائه عن الرسول ﷺ (همان: ۱/۱۶۵).

سند قرائت امام حسین (پدر ارجمند امام زین العابدین): عرض امام حسین علی ابی عبدالرحمن سلمی و عرض ابی عبدالرحمن سلمی علی عثمان و علی و ابن مسعود و اینان اخذ کردند از نبی ﷺ (ذهبی، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، ۱۴۰۴ ق: ۵۳/۱).

البته ابو خالد واسطی،^[۹] از امام باقر ﷺ، روایتی نقل کرده که نشان می‌دهد، زید قرائت را از امام سجاد ﷺ فراگرفته است: «عن ابی خالد الواسطی و ابی حمزه الثمالی عن ابی جعفر انه قال لهما یا ابا خالد و انت یا ابا حمزه: ان ابی دعا زیداً فاستقراه قرآن، فقرأ علیه، فسأله عن المعضلات، فاجاب، ثم دعا له و قبل بین عینه.» (سیاخی، الروض النضیر شرح مجموع الفقه الکبیر، ۱۳۸۸: ۱۰۲/۱).

این روایت (البته در صورت صحت آن)، به صراحت بر اخذ قرائت زید، از پدرشان تأکید می‌کند. البته حتی در صورت اشکال بر صحت این روایت، با توجه به وجود قرائت زید در منابع معتبر و شیوخ والا مقام او، چون پدرش، امام زین العابدین (علیه السلام) و برادرش، امام محمدباقر (علیه السلام)، سند قرائت زید تا پیامبر (صلی الله علیه و آله) متصل و با توجه به حضور ائمه طاهرین (علیهم السلام) در سند آن صحیح نیز است.

۲. موافقت با یکی از مصاحف عثمانی

ابن جزری، این مقیاس را این گونه شرح می‌دهد: اگر قرائت با یکی از مصاحف عثمانی موافق بوده؛ اما با دیگری مخالف بود، این مخالفت با مصحف به حساب نمی‌آید، مانند قرائت ابن عامر در ﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا﴾ (بقره/۱۱۶) که در بعضی مصاحف بدون واو آمده است (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۱۱/۱).

بیان این گونه‌ی این معیار، اثبات مطلبی است که سجستانی در کتاب «المصاحف» به آن اشاره کرده و آن اختلاف مصاحفی است که به شهرها فرستاده شده بود (سجستانی، المصاحف، ۱۴۲۳: ۱۰۵). ابوشامه نیز این رأی را از نظر طبری تأکید کرده است (ابوشامه المقدسی، المرشد الوجیز، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

دیدگاه ابن جزری، موافقت با یکی از مصاحف عثمانی، تحقیقاً لازم نیست؛ بلکه وی به این مقیاس موافقت احتمالی یا تقدیری را نیز اضافه نموده که بر اساس آن بسیاری از قرائت‌ها که امروزه شاذ نامیده می‌شوند، این معیار را دارا می‌شوند (مختار عمر، معجم القرائات القرآنیة، ۱۴۱۲: ۱۰۷/۱). منظور از موافقت تقدیری یا احتمالی، بدین معناست که مخالفت صریح رسم در حروف مدغم، مبدل، ثابت، محذوف یا ... هرگاه که قرائت آن ثابت و احادیث مشهور مستفاض برای صحت آن وارد شده باشد، مخالفت شمرده نمی‌شود (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۱۱/۱).

البته باید به این مسئله نیز اذعان نمود که بزرگ‌ترین نحودانانی چون سیبویه (۱۸۰ هـ)، اخفش (۲۱۱ هـ) و فراء (۲۰۷ هـ)، قرائت عامه را به عنوان مهمترین اصل، محور قرائات خود قرار می‌دادند؛ از این رو، سیبویه توجه زیادی به تطابق قرائت با رسم مصحف نداشته، به عنوان نمونه واژه «ظالمین» در آیه ۷۶ سوره زخرف، «ظالمون» قرائت نموده است، در حالی که این نحوه خواندن، مخالف رسم مصحف است، ولی او به این قول اکتفا می‌کند که اکثر مردم «ظالمون» می‌خوانند (سیبویه، الکتاب، ۱۴۰۲: ۳۹۳/۲)؛ اما اخفش به رسم مصحف مقیدتر بوده و این اهتمام در فراء، تا حد زیادی گسترش یافته است (صغیر، القرائات الشاذة و توجیهها النحوی، ۱۴۱۹: ۴۴-۴۳).

با بررسی قرائت زید، می‌توان حکم به مطابقت قسمت عمده‌ای از قرائت زید با رسم المصحف (تحقیقاً - احتمالاً - تقدیراً) را داد. وی تنها در چند قرائت از این شرط خارج شده که بیشتر آنها از باب تفسیر است. مانند آیه ﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ﴾ (حجر/۶) که زید قرائت کرده «نزل علیه الذکر» ماضیاً مخففاً مبنیاً للفاعل و قرأ: «یا ایها الذی ألقى إلیه الذکر» (ابوحیان اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۶/ ۴۶۷)؛ اما از آنجاکه در این قرائت، واژه القی با نزل مترادف هستند. می‌توان آن را از قبیل تفسیر دانست. ابوحیان نیز بعد از بیان قراءه زید به این مسئله اشاره نموده است، «ینبغی أن تجعل هذه القراءة تفسیراً، لأنها مخالفة لسواد المصحف» (همان: ۶/ ۴۶۷). حتی شاید بتوان آن را سهل‌انگاری کاتب دانست که جمله توضیحی زید (القی) را در مقام بیان تفسیر «نزل» به عنوان قرائت ثبت کرده باشد، چون همان‌طور که از متن ابوحیان برمی‌آید، درباره این آیه دو قرائت از زید رسیده است.

۳. موافقت با عربیت

موافقت با عربیت و لو به وجهی، بدین معناست که قرائت باید با جوهری از وجوه قواعد عربی سازگار باشد. حال این وجه می‌خواهد فصیح باشد یا افصح، اجماعی باشد یا اختلافی؛ و اختلاف آن ضرری بر قرائت شایع و دارای سند وارد نمی‌سازد. ابن جزری در ادامه معتقد است، چون ائمه قرائات سعی کرده‌اند، از بهترین قرائت بهره گیرند، پس هرگاه قاعده‌ی عربی با قرائت آنها سازگاری نداشت، از آن جهت که قرائت لازم الاتباع است، قبول آن لازم است (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۱۰/۱-۱۱).

در مورد زید و قرائت منتسب به او باید گفت که وی در علم و فصاحت زبان عربی جایگاه والایی دارد، جاحظ او را از سخنوران بنی‌هاشم به شمار آورده است (جاحظ، البیان و التبیین، ۱۳۳۲: ۱/ ۱۹۰)؛ و ابواسحاق سبعی و اعمش در وصفی که از او کرده‌اند، وی را از فصیح‌ترین سخنوران اهل بیت قلمداد نموده‌اند (مقریزی، الخطط المقریزی، ۱۳۲۶: ۳۰۷/۴)؛ بنابراین با توجه به شأن ادبی او، بعید است که در قرائت او به موردی برخورد کنیم که از قواعد فصیح عربی خارج باشد.

از طرف دیگر، مفسران ادبی مشهوری چون زمشخری، طبرسی، ابوحیان و آلوسی، به قرائت زید در ضمن بیان اختلاف قرائت‌های آیات اشاره کرده‌اند (السامرائی، قرائت زید بن علی، ۱۴۲۷: ۵۲).

با بررسی قرائات شاذ، چون قرائت زید، با معیارهای بیان شده از ناحیه‌ی ابن جزری، شاهد حضور قرائت زید و برخی قرائت‌های شاذ به جرگه‌ی قرائات صحیح خواهیم بود؛ زیرا بعضی قرائت‌های شاذ، مقیاس‌های مزبور را دارا هستند.

۴. مفردات قرائت زید

با احصاء قرائت زید که توسط خلیل ابراهیم السامرایی از روی کتب تفسیری و کتبی که به نقل قرائات شاذ پرداخته‌اند، انجام شده؛ مشخص می‌شود که زید در حدود ۱۵۸ مورد قرائت منحصر به فرد دارد که غیر او کس دیگری آن‌گونه تلاوت ننموده است (السامرائی، قرائت زید بن علی، ۱۴۲۷: ۶۱). در اکثر موارد، انفراد قرائت او در تفسیر تأثیرگذار نیست؛ زیرا بیشتر اختلاف‌ها در قرائت زید، مربوط به نحوه‌ی بیان حروف و حرکات مانند مد، اماله، تخفیف، تسهیل و... یا حتی تغییر برخی حرکات،^[۱۰] حروف و کلمات^[۱۱] که مربوط به جمع یا مفرد بودن، صیغه‌های مجرد یا مزید و یا فاعل و مفعول بودن است که تأثیری در تفسیر دارا نیستند (بازمول، القرائات و اثرها فی التفسیر و الاحکام، ۱۴۱۷: ۱/۳۷۶).

البته باید دانست که انفراد قرائت به این معنا نیست که او قرائتی را از جانب خود اختراع کرده باشد، بلکه او مجموع بیانات شیوخ خود را انتخاب کرده است که همان‌طور که اشاره شد، حدود ۱۵۸ مورد است. خوب است بدانید که ذیل برخی آیات، علماء وجوه اعرابی را جایز دانسته‌اند و سپس ذکر کرده‌اند که کسی این‌گونه قرائت نکرده است و جالب آنکه آن وجوه را می‌توان در قرائت زید یافت: به‌عنوان مثال در کتاب «معانی القرآن» ذیل آیه «تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى» (نجم/۲۲) آمده است که عرب می‌گویند: «قِسْمَةٌ ضِيزَى» و لم یقرأ بها أحد نعلمه (فراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰ م: ۳/۹۸). ابوحیان نیز در تفسیر خود آورده است: «قرأ زید بن علی: ضیزی بفتح الضاد و سکون الیاء و یوجه علی أنه مصدر» (ابوحیان اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۱۰/۱۸).

۵. مشترکات قرائت زید

منظور، اشتراک‌های قرائت زید، با قرائت یکی از قراء سبعة است که با توجه به احصاء خلیل ابراهیم السامرایی، ۹۶ مورد قرائت زید از این ویژگی برخوردارند که از این تعداد ۸۰ قرائت متواتر و ۱۶ عدد به حد تواتر نرسیده است؛ به عبارت دیگر این شانزده مورد، توسط راویانی غیر از دو راوی اصلی قاریان نقل شده است.

در میان قراء سبعة، بیشترین هماهنگی قرائت زید با قراء کوفه^[۱۲] است؛ و از میان آن‌ها، قرائت زید با عاصم اشتراک بیشتری، در حدود ۵۱ مورد را داراست. با قرائت کسایی، در ۴۱ مورد مشترک، با حمزه، در ۳۷ قرائت، با ابن عامر در ۳۲ قرائت، با نافع در ۲۱ قرائت و با ابو عمر بن علاء در ۱۶ قرائت مشترک است (السامرائی، قرائت زید بن علی، ۱۴۲۷: ۶۲ - ۶۵). البته قرائت زید، علاوه بر داشتن اشتراک‌هایی با قراء سبعة، اشتراکاتی با قراء عشره، اربعه عشر و مشترکاتی با قراء غیر از آنها دارد که حدود ۱۰۳ مورد است (السامرائی، قرائت زید بن علی، ۱۴۲۷: ۶۹).

۶. نقش قرائت زید در تفسیر

یکی از مهمترین فعالیت‌های علمی قرآنی زید بن علی، تفسیر منتسب به او است که یکی از مهمترین تفاسیر قرن دوم به حساب می‌آید، تفسیر او با نام «غریب القرآن» از کلمات متفرقه او گردآوری شده است و جمعی از بزرگان زیدیه آن را روایت کرده‌اند (عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۷۲: ۳۷۱/۱؛ بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ۱۹۷۵: ۳۲۳).

از جمله نسخه‌های خطی غریب القرآن، نسخه‌ای در کتابخانه متوکلیه صنعاء و نیز نسخه‌ای در کتابخانه برلین است که مبنای عمل محققان قرار گرفته و بر اساس آن دو تحقیق از این کتاب، از سوی محمدتقی حکیم و سید محمدجواد حسینی جلالی با مقدمه‌ای مفصل چاپ شده است؛ اما آنچه به نظر می‌آید، قرائت او مقدم بر تفسیر او بوده و بر طبق آنچه محقق تفسیر او، محمدتقی حکیم، در مقدمه نگاشته است، تفسیر وی در سال ۱۱۸ هجری در سال‌های پایانی عمر زید و در زندان هشام نوشته شده است (زید بن علی، ۱۴۲۱: ۱۹).

مسئله مهم در باب ارتباط تفسیر و قرائت زید است و پاسخ به این سؤال مهم که آیا دیدگاه‌های تفسیری زید در بیان معانی واژه‌های غریب در قرائت او تأثیرگذار بوده است و یا بالعکس، چون در این صورت قرائت او در حد تفسیر قرائت مشهور و بیان معانی آن قرار می‌گیرد.

موارد اختلافی در قرائت زید، به لحاظ تأثیرگذاری در تفسیر به دودسته تقسیم می‌شود:

الف. دسته اول: مواردی که در تفسیر تأثیرگذار نیست و قسمت عمده قرائت زید را شامل می‌شود و مربوط به نحوه بیان حروف و حرکات مانند مد، اماله، تخفیف، تسهیل و... یا حتی تغییر برخی حرکات، حروف و کلمات است که تأثیری در تفسیر دارا نیستند (بازمول، القرائات و اثرها فی التفسیر و الاحکام، ۱۴۱۷: ۳۷۶/۱). مانند: قرائت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» به جای «الْحَمْدُ لِلَّهِ» در قرائت زید بن علی (ابوحیان اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۳۳/۱) و

قرائت «صراط من أنعمت عليهم» در عوض «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» در قرائت زید بن علی (همان: ۴۹/۱؛ و روی ذلك عن أهل البيت عليهم السلام: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/۱۰۵).

ب. مواردی که باعث گسترش معنایی آیه گشته و به مفسر برای واکاوی بهتر معنای آیه مدد می‌رساند. به عنوان مثال:

۱. آیه ﴿وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هُوْلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ﴾ (حجر/۶۶)، زید و اعمش «أَنَّ» را با کسر همزه تلاوت کرده‌اند (ابوحیان اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۴۸۹/۶؛ زمخشری، الکشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۵۸۴/۲؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵: ۳۱۴/۷) در توجیه این قرائت دو نظر مطرح شده است: الف. «إِنَّ»، استیناف بیانی و آغاز جمله‌ی جدید است، با این معنا که: ما ذلك الأمر؟ فقیل فی جوابه: إن دابر... .

ب: اگر «قضینا» را به معنای «اوحینا» بگیریم، می‌توان در معنای آن، قول را لحاظ کرده و جمله‌ی مقابل «إِنَّ» را آغاز قول بدانیم (همان).

۲. آیه ﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ (شرح/۸).

در قرائت زید، به صورت «فَرَعَبْ» تلاوت شده است (ابوحیان اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۵۰۱/۱۰). قرائت جمهور قراء «فارغب» (امر ثلاثی مجرد) است؛ اما قرائت زید که امر با تشدید (باب تفعیل) است، از جهت ترغیب بیشتر مردم به طلب آنچه در نزد خدای تعالی موجود است، می‌باشد (همان: ۵۰۱/۱۰؛ زمخشری، الکشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۷۷۲/۴).

این نکته نیز شایان توجه است که بردن فعل به باب تفعیل (باب ثلاثی مزید) در فعل، معانی متعددی چون تکثیر و مبالغه را ایجاد می‌کند.

۳- آیه ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (مائده/۳۰)، در قرائت زید به صورت «فطاوعته» (باب مفاعله) تلاوت شده است. در توجیه آن دو نظر مطرح شده:

الف. معنای باب فاعل و فعل را یکسان در نظر بگیریم. سیبویه به این نکته اشاره نموده که فاعل و فعل گاهی به معنای واحد می‌آیند، مانند ضاعفت و ضعفت (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۵: ۲۸۴/۳).

ب. معنای مطاوعه را این‌گونه می‌توان در نظر گرفت که نفسش او را به قتل فراخواند و او نیز فرمان او را پذیرفت «فطاوعته» (ابوحیان اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۲۳۲/۴؛ زمخشری، الکشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۶۲۶/۱).

۴- آیه ﴿وَ أَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ﴾ (قصص/۳۴).

در قرائت زید، به صورت «یصدقونی» با «واو جمع» تلاوت شده (ابوحیان اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۸/ ۳۰۴) که در توجیه آن باید گفت: ضمیر جمع در قرائت زید به فرعون و قومش برمی گردد؛ درحالی که در قرائت مشهور، ضمیر «یصدق» به هارون بازگشت دارد (همان).

همان طور که در نمونه ها مشاهده شد، اختلاف قرائت موجود در این آیات، احتمالات جدیدی را برای مفسر در راستای رسیدن به معنای آیه مطرح می کند که شاید بازگوکننده دیدگاه تفسیری زید در آیه مذکور هم بوده است، ولی از مقایسه مفردات قرائت زید در سوره های حمد، بقره، آل عمران و مائده با مطالب تفسیری او در کتاب تفسیری منتسب به او که بیشتر در معنای واژه های غریب است، به این نتیجه می توان دست یافت که در قرائت زید، تبدیل واژه به مترادف یا هم معنای آن، مطابق با معنای تفسیری که در ذهن قاری وجود دارد، یافت نشد که خود نشان دهنده دقت و توجه قاری است. به عنوان مثال، زید معنای واژه های دین را حساب، ریب را شک، غشاوه را غطاء، صیب را مطر، فراش را مهاده، انداد را اضداد، حین را وقت، بارء را خالق، آتینا را اعطینا و ... (زید بن علی، تفسیر الشهد زید بن علی المسمی تفسیر غریب القرآن، ۱۴۱۲/ ۷۷ تا ۸۲) در تفسیر خود معنا کرده است؛ ولی هیچ کدام از این معانی در قرائت او تأثیر نداشته است.

نتیجه

یکی از دلایلی که باعث شده قرائت زید در میان قرائات شاذ قرار گیرد، از این تفکر سرچشمه گرفته که قرائت قراء سبعة و عشرة یا اربعة عشر صحیح و قرائت بقیه ی قراء، شاذ است. این در حالی است که برای قرائت صحیح، معیارهایی از طرف علمای قرائت بیان شده که واکاوی به عمل آمده در مورد قرائت زید، نشان دهنده ی تطبیق این قرائت با آن معیارهاست و این تطابق این جرئت را به محقق می دهد که به صحت قرائت زید حکم کند.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] برای توضیح بیشتر رک. فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۹۸۰: ۶۷ تا ۷۶
- [۲] برای آگاهی از روایات مرتبط با این بحث رک: خویی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ۱۳۸۲، ص ۲۳۰ تا ۲۳۲.
- [۳] در پاره‌ای از منابع به اشتباه ابوالحسن نوشته شده که پیداست تصحیف ابوالحسن است.
- [۴] در نام مادر وی اختلاف است، برخی نام او را «جیدا» یا «جید» یاد کرده‌اند برخی هم نام او را «حیدان» می‌دانند؛ بخاری، سر سلسله‌العلویة، ۱۴۱۳: ۳۲؛ او کنیزی شایسته و با نجابت بود، که مختار بن ابی عبیده ثقفی او را به‌عنوان هدیه‌ای ارزنده به خدمت امام فرستاد، و این بانو از امام چهارم دارای چهار فرزند شد، سه پسر و یک دختر، نخستین فرزندش زید بن علی است و سه فرزند دیگرش عمر، علی و خدیجه نام‌گذاری شدند؛ اصفهانی، مقاتل الطالبین، ۱۳۸۵: ۸۶.
- [۵] برای آگاهی بیشتر رجوع شود به سیره و قیام زید بن علی، کریمان، سیره و قیام زید بن علی، ۱۳۶۴: ۸۳ - ۱۶۰.
- [۶] شیخ طوسی او را زیدی دانسته: طوسی، رجال الشیخ الطوسی، ۱۴۱۵: ۳۲۷؛ اما مرحوم خویی طریق شیخ به او را مجهول می‌داند؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۰: ۵۹/۱۳.
- [۷] ابوعلی الحسن بن علی بن ابراهیم بن یزداد الالهوازی، صاحب تألیفاتی در زمینه قرائات است. وی شیخ قراء در عصر خود بوده و دردمشق متولد و در همان‌جا در سال ۴۴۶ هـ بدرود حیات گفته است. رک: ابن جزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، ۱۳۵۱: ۲۲۱/۱.
- [۸] باید دانست که قرائت نصب از عاصم است که جز قراء سبعة قرار گرفته و قرائت او امروزه مورد اعتنا بوده است و این مهم نشان آن است که طبری قرائت عاصم را به‌طور کامل آن‌گونه که مورد قبول نداشته است.

۲۸۷

- [۹] در رابطه با شخصیت عمرو بن خالد واسطی، در کتاب‌های رجالی اختلاف نظر وجود دارد. ابن فضال، عمرو را ثقه؛ و مجلسی، ثقه غیر امامی؛ و مامقانی، موثق؛ و محدث نوری، موثق دانسته‌اند. برخی نیز چون علامه و طه نجف در ضعفا ذکر کرده‌اند؛ و گروهی نیز چون نجاشی، سکوت کرده‌اند و با فرض موثق بودن او، روایات منقول از وی را در صورت توثیق باقی رجال روایت، موثق می‌توان شناخت. رک. کریمان، سیره و قیام زید بن علی، ۱۳۶۴:

۱۰۵. ابوزهره نیز در کتاب امام زید، بعد از بیان بحثی طولانی، عمرو را از نظر اهل سنت ثقه می‌داند. رک. ابوزهره، ۱۴۲۵: ۲۳۵ تا ۲۷۵.

[۱۰] قرائت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» به جای «الْحَمْدُ لِلَّهِ» در قرائت زید بن علی؛ ابوحیان اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۳۳/۱.

[۱۱] قرائت «صراط من أنعمت علیهم» در عوض «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» در قرائت زید بن علی؛ ابوحیان اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۴۹/۱ و روی ذلك عن أهل البيت (علیهم السلام): طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/۱۰۵.

[۱۲] عاصم ابی النجود (۱۲۷ هـ) و حمزه بن حبیب زیات (۱۵۶ هـ) و علی بن حمزه کسایی (۱۸۹ هـ).

منابع

١. قرآن كريم، ترجمه: رضايي اصفهاني، محمد علي و همكاران، مؤسسه تحقيقاتي فرهنگي دارالذكر، قم: ١٣٨٣ ش.
٢. آلوسي، محمود شكرى، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، دارالكتب العلمية، بيروت: چاپ اول، ١٤١٥ ق.
٣. ابن جزري، ابوالخير محمد بن محمد، غاية النهاية في طبقات القراء، تحقيق: برجستراسر، مكتبة الخانجي، مصر: ١٣٥١.
٤. _____، منجدالمقرئين، الوطنيه الاسلاميه، قاهره: ١٣٥٠ ق.
٥. _____، النشر في القرائات العشر، تحقيق: علي محمد الصباغ، دار الكتب العلمية، بيروت: بي تا.
٦. ابن حجر عسقلاني، شهاب الدين، تهذيب التهذيب، دارالفكر، بيروت: ١٤٠٤ ق.
٧. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت: ١٣٧٧ ق.
٨. ابن عساکر، تاريخ مدينه دمشق، دارالفكر، بيروت: ١٤١٥ ق.
٩. ابن طباطبا، صفی الدين محمد (معروف به ابن طقطقي)، الفخرى في آداب السلطانية و الدول الإسلامية، آلمان: ١٨٦٠ م.
١٠. ابن مجاهد، كتاب السبعة، تحقيق: شوقي ضيف، دارالمعارف، قاهره: ١٩٧٢ م.
١١. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار صادر، بيروت: چاپ سوم، ١٤١٤ ق.
١٢. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، دار الفکر، بیروت: ١٤٢٠ ق.
١٣. ابوزهره، محمد، الامام زيد، دارالفکر العربی، قاهره: ١٤٢٥ ق.
١٤. ابوشامه المقدسی، عبدالرحمن بن اسماعیل، المرشد الوجیز، تحقيق: طيار آلتی فولاج، دارالصادر، بيروت: ١٣٩٥ ق.
١٥. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، منشورات المكتبة الحميدية، نجف: ١٣٨٥ ش.
١٦. افندی، عبدالله، رياض العلماء، نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملک، بی تا.
١٧. امين، محسن، اعيان الشيعة، بی نا، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ١٤٠٣ ق.
١٨. امينی نجفی، عبدالحسين، الغدير، مؤسسة الاعلمی، بيروت: الطبعة الثالثة، ١٣٨٧ ق.

۱۹. بازمول، محمد بن عمر بن سالم، القرائات و اثرها فی التفسیر و الاحکام، دارالهجرة، ریاض: ۱۴۱۷ ق.
۲۰. بخاری، ابی نصر، سر سلسله العلویة، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. بروکمان، تاریخ الادب العربی، دارالمعارف، مصر: ۱۹۷۵.
۲۲. بیللی، احمد، الاختلاف بین القرائات، نشر دارالجلیل، بیروت: بی تا.
۲۳. پاکتچی، احمد، مقالات دائرة المعارف بزرگ اسلام، به کوشش: کاظم موسوی بجنورد، انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: ۱۳۸۰.
۲۴. پاکتچی، احمد، تاریخ تفسیر قرآن کریم، انجمن علمی دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۲۵. جانی پور، محمد، «تأثیرات جریان مدینه محوری در گسترش و ترویج برخی قرائات قرآنی»، دو فصلنامه - مطالعات قرآن و حدیث، سال دهم، شماره دوم، بهار و، پیاپی ۲۰، ۱۳۹۶.
۲۶. جاحظ، ابو عثمان، البیان و التبیان، مصر: ۱۳۳۲.
۲۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، انتشارات امیری، تهران: ۱۳۶۸.
۲۸. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۸۲ ش.
۲۹. حلّی، ابوالحسن حسام الدین حمید بن احمد، الحدائق الوردیة، دارالاسامة، دمشق: ۱۴۰۵ ق.
۳۰. حمیری، نشوان بن سعید، الحورالعین، تحقیق: مصطفی کمال، تهران: ۱۹۷۲ م.
۳۱. خویی، سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، مترجمان: محمدصادق نجمی و هاشم هریسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۲ ش.
۳۲. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر آثار شیعه، قم: ۱۴۱۰ ق.
۳۳. ذهبی، شمس الدین، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، دمشق: ۱۴۱۲ ق.
۳۵. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مطبعة دار الاحیاء الکتب العربیة، قاهره: ۱۳۷۶ ق.

٣٦. زمخشري، محمود، الكشاف عن غوامض التنزيل، دار الكتاب العربي، بيروت: چاپ سوم، ١٤٠٧ ق.
٣٧. زيد بن علي، مسند الامام زيد، بي نا، بيروت: ١٤٠١.
٣٨. زيد بن علي بن الحسين (عليه السلام)، تفسير الشهيد زيد بن علي المسمى تفسير غريب القرآن، الدار العالمية، لبنان: ١٤١٢ هـ.
٣٩. السامرائي، خليل ابراهيم، قرائت زيد بن علي، موسسه الرسالة، بيروت: الطبعة الاولى، ١٤٢٧ ق.
٤٠. سجستاني، ابوبكر بن ابو داود، المصاحف، الفاروق الحديثه للطباعة و النشر، قاهره: ١٤٢٣ ق.
٤١. سخاوي، علم الدين علي بن محمد، جمال القراء و كمال الاقراء، تحقيق: علي حسن البواب، مكتبة التراث، مكه: ١٤٠٨ ق.
٤٢. سياغي، شرف الدين الحسين بن احمد، الروض النضير شرح مجموع الفقه الكبير، المملكة العربية السعودية، بي جا: الطبعة الثانية، ١٣٨٨ ق.
٤٣. سيبويه، عمرو بن عثمان، الكتاب، تحقيق: عبدالسلام هارون، دارالجيل، مصر: الطبعة الثانية، ١٤٠٢ ق.
٤٤. شاهين، عبدالصبور، تاريخ القرآن، دارالقلم، بي جا: ١٩٦٦ م.
٤٥. ابن بابويه (صدوق)، محمد بن علي، عيون اخبار الرضا، انتشارات جهان، بي جا: ١٣٧٨ ق.
٤٦. صغير، محمود احمد، القرائات الشاذة و توجيهها النحوي، دارالفكر، دمشق: ١٤١٩ ق.
٤٧. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: چاپ سوم، ١٣٧٢ ش.
٤٨. طبري، ابوجعفر محمد بن جرير، جامع البيان في تفسير القرآن، دار المعرفة، بيروت: ١٤١٢ ق.
٤٩. طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، دار احياء التراث العربي، بيروت: بي تا.
٥٠. _____، الفهرست، المكتبة المرتضوية، نجف: بي تا.
٥١. _____، رجال الشيخ الطوسي، انتشارات اسلامي جامعه مدرسين، قم: ١٤١٥ ق.

۵۲. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، دفتر نشر نوید اسلام، قم: ۱۳۷۲.
۵۳. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر: ۱۹۸۰ م.
۵۴. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة، دارالقلم، بیروت: الطبعة الثانية، ۱۹۸۰ م.
۵۵. کریمان، حسین، سیره و قیام زید بن علی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴ ش.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۵ ش.
۵۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۳۴۸ ش.
۵۸. مختار عمر، احمد؛ عبدالعال، سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیة، انتشارات اسوه، ۱۴۱۲ ق.
۵۹. دهخدا، علی اکبر؛ احمدی گیوی، حسن؛ معین، محمد؛ شهیدی، سید جعفر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۶۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۶۱. مقریزی، احمد بن علی، الخطط المقریزی، مصر: ۱۳۲۶ ق.
۶۲. المقرم، عبدالرزاق، نگرشی بر سیره و قیام زید شهید، ترجمه و تحقیق: سید مهدی شجاعی، موسسه انتشارات نبوی، تهران: ۱۳۸۶ ش.